

سخن ناشر

با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی، فضای نوینی در عرصه دانش‌های مختلف حوزوی و دانشگاهی گشوده شد. نگاه جدید فراهم آمده از بستر انقلاب از یک سو و تهاجم تمدنی غرب به ارکان فرهنگ اسلامی و به چالش کشیدن آن‌ها از سوی دیگر در این امر سهم بسزایی داشتند. در چنین فضایی نیاز به دانش به عنوان موتور پیش‌ران تمدن و فرهنگ به صورت جدی احساس می‌شد. این امر باعث شد پرداخت به دانش، گسترش کمی و کیفی پیدا کند؛ گسترشی که با فضای قبل از انقلاب به هیچ‌روی قابل مقایسه نبود. در زمانه کنونی نیز هر چند این گسترش ادامه دارد اما هنوز فاصله جدی میان نیازها و عرصه دانش پاسخگو وجود دارد. بدین سبب روی آوردن به دانش‌ها و تلاش برای بسط و امتداد آن‌ها به شیوه‌های متعدد از جمله ضرورت‌های عصر کنونی در محیط دانش است. روشن است این ضرورت درباره دانش‌های بنیادین و مادر، دوچندان است و همت و عزم مضاعفی را در میان عالمان آن‌ها می‌طلبد.

دانش فلسفه که از دانش‌های بنیادین و بلکه بنیادین‌ترین آن است، از امور پیش فته مستثنا نیست و باید برای شیوه‌های مختلف گسترش این دانش در لایه‌های متعدد آن، اقدامات درخور صورت گیرد. از جمله این اقدامات، تلاش برای نشر این دانش و دانش‌های همسو و مرتبط با آن در لایه‌های مختلف آن است.

از این رو انتشارات آل احمد علیه السلام بر خود لازم می‌داند که در حد امکان و قدر وسع، زمینه نشر و گستراندن دانش فلسفه و دانش‌های مرتبط با آن را در دستور کار خویش قرار دهد. به توفیق الهی این کار چند سالی است که از طریق ارتباط با مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات فراهم آمده و کتاب پیش رو گامی مبارک در پیشبرد این هدف است. امید است این روند رو به رشد و فزونی باشد و بتواند خدمت کوچکی در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی باشد.

انتشارات آل احمد علیه السلام بر خود لازم می‌داند از فیلسوف متأله، استاد گرانقدر، حضرت آیت الله سید یدالله یزدان پناه رحمته الله علیه که این کتاب محصول بیان ایشان بوده و نیز از فاضل ارجمند، حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضا درگاهی فرزنده که تدوین و نگارش اثر بر عهده ایشان بوده است، تشکر و قدردانی نماید. همچنین لازم می‌داند از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات که در آماده‌سازی اثر برای نشر زحمات فراوانی را متحمل شدند، کمال تشکر را به عمل آورد.

علی رستمی

مدیر انتشارات آل احمد علیه السلام

سخن مؤسسه

فلسفه اسلامی به عنوان یک دانش مستقل در فرهنگ و زیست بوم مسلمانان از حدود ۱۲ قرن پیش جوانه زد و در یک روند تدریجی بالیدن گرفت و در کنار همه فراز و فرودهای تاریخی، توانست کمابیش نقش و سهم اساسی خود را در منظومه دانش‌های اسلامی و نیز در بارورسازی عقیده نیت فرهنگی ایفا کند. این دانش اکنون همچون درختی تنومند و ریشه‌دار است که به ثمر نشسته است و دانش‌های اسلامی تا حدی از آن بهره‌مند گشته‌اند و امید می‌رود در سایه‌سار آن فرهنگ جامعه اسلامی هر چه بیشتر از عنصر عقیده نیت و معنویت متلائم بهره‌مند گردد.

هرچند نگاه کلان و درجه دوم به این دانش همچون دیگر دانش‌های اسلامی در لابه‌لای پردازش‌های علمی اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است، اما معمولاً این پرداخت‌ها اندک، محدود و پراکنده بوده و ساختار مستقل و منسجم به خود ندیده است. در دوران معاصر به دلایل متعدد تاریخی و دانشی، نگاه‌های کلان و درجه دومی به دانش‌ها ضرورت و اهمیت ویژه‌ای یافته است و عمده‌تأ این نگاه‌ها در قالب فلسفه مضاف به دانش، خود را بروز داده است. بدین سان برخی تلاش‌ها

و ملات در حوزه فلسفه مضاف به دانش‌ها شکل گرفته است. در این میان، دانش فلسفه نیز از این سنه تأملات بی‌بهره نبوده است.

اثر حاضر که محصول ملات حکیم فرزانه و فیلسوف گرانقدر، استاد سیدیدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله است، نیز از جمله تلاش‌ها برای پرداخت‌های تفصیلی و گسترده به مقوله فلسفه اسلامی است که توانسته افق‌های نو و جدیدی در این زمینه به روی اندیشمندان و فلسفه‌آموزان بگشاید. دفتر اول این مجموعه به مباحث معرفت‌شناختی و روش‌شناختی اختصاص یافته بود. این اثر، به عنوان دفتر دوم از تأملات مربوط به فلسفه اسلامی به مباحث محتوایی در این زمینه پرداخته است.

امید است انتشار این دست‌آثار بتواند زمینه‌ساز نگاه درست به دانش فلسفه اسلامی و نسبت آن با دیگر دانش‌ها و نیز جایگاه آن در تحول فرهنگ و ساخت تمدن نوین اسلامی باشد.

مهدی صداقت

معاون پژوهش مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات

فهرست

۵	— سخن ناشر
۷	— سخن مؤسسه
۹	— فهرست تفصیلی
۱۵	— پیش گفتار

فصل اول

تبیین پیشینی از و به نیاز به فلسفه

۲۵	— درآمد
۲۷	— ۱. تبیین فیلسوفان از وجه نیاز به فلسفه به گونه پیشینی
۴۱	— ۲. راه پیشینی دیگر برای تبیین وجه نیاز به علم فلسفه

فصل دوم

آغاز فلسفه با واقعیت بدیهی

۴۹	— درآمد
۵۰	— ۱. تثبیت واقعیت به مثابه موضوع فلسفه در آثار لامه طباطبایی

۵۷	۲- تبیین ا دربارهٔ بداهت واقعیت بیرون از خود
۵۷	۱-۲- بدیهی فطری بودن واقعیت بیرون
۶۰	۲-۲- حصولی بودن علم به واقعیت بیرون
۶۳	۳-۲- حضوری بودن علم به واقعیت بیرون
۸۶	۲-۳-۱- تبیین حضوری بودن علم به واقعیت بر اساس «شهود عقلی»
۸۹	۲-۴- نقد برداشتی ناصواب
۹۲	۲-۵- چند نکته
۹۹	۳- تحلیل‌ها دربارهٔ بداهت مطلق واقعیت (واقعیه‌ما)
۹۹	۳-۱- بدیهی اولی بودن مطلق واقعیت
۱۰۲	۳-۲- شهودی و حضوری بودن مطلق واقعیت

فصل سوم

مداقهٔ بی دربارهٔ ضوع فلسفهٔ اولی

۱۰۹	درآمد
۱۱۰	۱- چیستی واقع بما هو واقع
۱۱	۱-۱- منظور از قید «بما هو واقع»
۱۲	۱-۲- منظور از «واقع»
۱۲۱	۱-۲-۱- «واقع» به معنای اعم از وجود و عدم و ماهیت
۱۲۲	۱-۲-۲- «واقع» به معنای موجود
۱۲۴	۲- بحث فلسفی دربارهٔ مصداق موجود، نه مفهوم آن
۱۲۶	۱-۲- تبعی بودن بحث دربارهٔ مفاهیم در فلسفه
۱۲۷	۲-۲- بحث دربارهٔ نحوهٔ وجود مفاهیم در فلسفه
۱۲۷	۲-۲-۱- وجود ذهنی
۱۲۸	۲-۲-۲- «مای حقیقیه»
۱۲۹	۲-۲-۳- نحوهٔ وجود امور منطقی
۱۳۳	۲-۳- خاصیت آینگی مفهوم

۱۳۵	۳- بحث دربارهٔ عدم در فلسفه
۱۳۵	۳-۱. دیدگاه لامه طباطبایی
۱۳۷	۳-۲. دیدگاه برگزیده
۱۴۱	۳-۳. جایگاه احکام عدم در فلسفهٔ اولی
۱۴۲	۴- اطلاق مقسمی موضوع فلسفه
۱۵۱	۵- مصداق نهایی موجود بما هو موجود
۱۵۶	۶- مروری بر چیستی و موضوع فلسفهٔ اولی در تاریخ فلسفه
۱۵۹	۶-۱. موضوع فلسفهٔ اولی در بیان افلاطون
۱۶۲	۶-۲. ارسطو و سامان بخشی به فلسفهٔ نخستین
۱۶۶	۶-۳. موضوع فلسفهٔ اولی و وجه نیاز بدان در بیان ارسطو
۱۷	۶-۴. چیستی و موضوع فلسفهٔ اولی در بیان فارابی
۱۹۳	۶-۵. چیستی و موضوع فلسفهٔ اولی در بیان ابن سینا
۲۰۴	۶-۶. چیستی و موضوع فلسفه در بیان ملاصدرا
۲۱۱	۶-۶-۱. پیشرفت‌های ملاصدرا در مسئلهٔ موضوع فلسفه

فصل چهارم

عوارض ذاتی و عوارض علم فلسفه

۲۲	درآمد
۲۲	۱- دیدگاه مشهور در باب عرض ذاتی
۲۳۷	۲- دیدگاه لامه طباطبایی
۲۵۱	۳- بررسی دیدگاه لامه طباطبایی
۲۵۱	۳-۱. حمل مقوم موضوع بر آن
۲۵۴	۳-۲. قضایای فلسفی مرددةالمحمول
۲۵۶	۳-۳. محمول‌های ذاتی اخص
۲۶۶	۴- سنخ مسائل فلسفی و مرزهای واقعی آن‌ها

فصل پنجم

غایت دانش فلسفه و تفاوت آن با دانش کلام

- ۲۷۱ — در آمد
- ۲۷۲ — ۱. غایت فلسفه اولی
- ۲۷۳ — ۲. تفاوت غایت فلسفه و کلام
- ۲۸۱ — ۳. کلام فلسفی

فصل ششم

نسبت فلسفه و علوم

- ۲۸۹ — در آمد
- ۲۹۱ — ۱. اعم و اعلی بودن دانش فلسفه
- ۲۹۴ — ۲. نسبت علوم و فلسفه
- ۲۹۷ — ۳. دیدگاه برگزیده درباره نسبت فلسفه با علوم
- ۲۹۹ — ۴. بررسی و نقد اندیشه فلسفه به سان پادوی علوم
- ۳۰۴ — ۵. اهمیت تمدنی رابطه سلسله مراتبی علوم

فصل هفتم

اصالی بودن دانش فلسفه

- ۳۰۹ — در آمد
- ۳۰۹ — ۱. علم اصالی و علم آلی
- ۳۱۲ — ۲. دیدگاه علامه طباطبایی
- ۳۱۵ — ۳. نقدی بر دیدگاه علامه
- ۳۱۶ — ۴. پاسخ به نقد

فصل هشتم

تقسیم حکم به نظری و عملی و جایگاه فلسفه اولی نسبت به حکمت عملی

- ۳۱۹ — درآمد
- ۳۲۰ — ۱. پیشینه تقسیم حکمت به نظری و عملی
- ۳۲۲ — ۲. یقینی بودن فلسفه‌های نظری و عملی
- ۳۲ — ۳. «موجود» به مثابه موضوع تمام دانش‌های فلسفی
- ۳۲۶ — ۴. یقینی بودن حکمت عملی
- ۳۳۴ — ۵. ملاک‌های تقسیم حکمت به نظری و عملی
- ۳۳ — ۱-۵. بر اساس اقسام حقایق
- ۳۳۶ — ۲-۵. بر اساس محتوا
- ۳۳۷ — ۳-۵. بر اساس غایت
- ۳۴۸ — ۶. چرایی تقسیم حکمت به نظری و عملی
- ۳۵۰ — ۷. اقسام حکمت نظری
- ۳۵۲ — ۸. عقل نظری پایه و حکم‌کننده در حکمت عملی؛ تبیین ابن‌سینا
- ۳۵۶ — ۹. عقل عملی پایه و حکم‌کننده در حکمت عملی؛ دیدگاه برگزیده
- ۳۵۷ — ۱-۹. عقل معاش متعالی اسلامی
- ۳۵۸ — ۱۰. حکمت عملی به مثابه حکمت انسانی
- ۳۵۹ — ۱۱. اقسام حکمت عملی
- ۳۶۲ — ۱۲. حکمت عملی اسلامی
- ۳۶۹ — ۱۳. درک معنای کنش انسانی با شهود عقلی
- ۳۷۲ — ۱۴. معقول ثانی بودن معنای عمل
- ۳۷۴ — ۱۵. نفس الامر معانی عمل‌شناسانه و ارزش‌شناسانه
- ۳۷۵ — ۱۶. حضور معنا در ساحت جامعه انسانی؛ هویت‌شناسی فرهنگ
- ۳۷۸ — ۱۷. جایگاه فلسفه اولی نسبت به حکمت عملی

فصل چهارم

امکان و تحقق فلسفه اسلامی

۳۸۵	— درآمد
۳۸۹	— ۱. پرسش اسلامی بودن فلسفه ا می
۳۹۳	— ۲. امکان فلسفه ا لامی
۳۹۴	— ۱-۲. امکان بر اساس التزام به یافته‌های عقلی در باب اعتبار دین
۳۹۷	— ۲-۲. امکان بر اساس آغاز فلسفه با ایمان دینی
۳۹۷	— ۱-۲-۲. فلسفه‌ورزی با انگیزه تثبیت آموزه‌های دینی
۳۹۹	— ۲-۲-۲. فلسفه‌ورزی با انگیزه کشف واقع
۴۰	— ۳. امکان تحقق فلسفه‌های اسلامی گوناگون
۴۰۲	— ۴. نصاب اسلامی بودن فلسفه
۴۰۵	— ۵. فلسفه ا ی در مقام تحقق
۴۰۹	— کتابنامه
۴۱۷	— چکیده

پیش‌گفتار

حمد و سپاس بی حد تنها از آن واقعیت مطلق واحد بلاعدد است، او که انسان و جهان را آفرید و با آفریدن انسان به خود لقب احسن الخالقین داد و او را بر کرسد خلافت نشانید. عقل و حکمت به وی عطا کرد و آن را خیر کثیر نامید. درود و سپاس بی شائبه بر سرور کائنات، فخر انبیاء، محمد ﷺ و خاندان طاهرینش.

همان‌گونه که در پیش‌گفتار دفتر اول یادآور شدیم، دانش فلسفه با دسته‌ای از پرسش‌ها در باب حقیقت خود روبه‌روست که امروز از آن با عنوان «فلسفه فلسفه» یاد می‌کنند. فلسفه فلسفه به خود فلسفه به صورت درجه دوم و فرامسئله‌ای نظر می‌کند و مذاقه‌هایی در باب علم فلسفه دارد و پرسش‌هایی چند را به صورت پیشامسئله‌ای درباره خود علم فلسفه پاسخ می‌دهد.

نیز گفته شد که مباحث فلسفه فلسفه را از منظری می‌توان به دو دسته مسائل روشی و معرفت‌شناختی، و مسائل محتوایی تقسیم کرد. برخی از مباحث معرفت‌شناختی و روش‌شناختی را در دفتر اول مورد کاوش قرار دادیم. اینک در دفتر دوم به مباحث محتوایی در باب علم فلسفه می‌پردازیم.

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

مباحث محتوایی با شاکله کلان فلسفه مرتبط اند و مضامین روشی و معرفت‌شناختی ندارند، یا این مضامین در آنها چندان چشم‌گیر نیستند، مانند چیستی و ضرورت فلسفه و مبادی آغازین این علم، موضوع و گستره‌اش و نسبتش با دانش‌های دیگر.

در حقیقت مباحث محتوایی، حقیقت دانش فلسفه را از جوانب گوناگون بررسی می‌کنند؛ اینکه این علم به چه امری می‌پردازد و موضوع مورد بررسی در آن چیست؛ از کدام مبادی آغاز می‌شود و چه محدوده‌ای را مورد کاوش قرار می‌دهد؛ گستره‌اش کدام است؛ این علم چه دغدغه‌ای دارد و غایتش چیست؛ چه ضرورتی موجب می‌شود که این علم پدید آید؛ این دانش با دیگر دانش‌ها چه نسبتی دارد؛ و مسائل مرتبط دیگری، مانند اینکه آیا فلسفه اسلامی با داشتن قید «اسلامی»، هویت فلسفی خود را حفظ خواهد کرد یا نه، و اینکه اصلاً ترکیب فلسفه با بودن ممکن است یا نه، و اگر ممکن است، آیا محقق شده است یا نه. در این دفتر در نه فصل به پرسش‌هایی از این دست پاسخ گفته‌ایم.

فصل نخست به ضرورت فلسفه و وجه نیاز بدان به صورت پیشینی می‌پردازد. فیلسوف باید به این پرسش پاسخ دهد که: چه ضرورتی برای پرداختن به علم فلسفه وجود دارد؟ به این پرسش هم می‌توان به صورت پسینی، یعنی پس از پدید آمدن علم فلسفه، و هم به صورت پیشینی، یعنی پیش از شکل‌گیری آن، توجه کرد و پاسخ گفت. در این فصل شیوه دوم را برگزیده‌ایم.

در فصل دوم مبدأ تصدیقی آغازین فلسفه را بررسی کرده‌ایم. فلسفه اولی با پذیرش واقعیت آغاز می‌شود. اینکه «واقعیتی هست» پایه تکاپوی فلسفی است، زیرا فلسفه هستی‌شناسی عقلی و برهانی است و تا هستی‌ای نباشد، علم فلسفه و کوشش فلسفی معنا ندارد نخواهد بود. از این رو می‌باید این مبدأ تصدیقی آغازین فلسفه را به نحوی تثبیت کرد، و یا باید نشان داد که این تصدیق بدیهی است، و سپس وجه بدهت آن را بیان کرد. در این فصل هم به تثبیت و تبیین واقعیت

• پیش‌گفتار •

خارج از خود و هم واقعیت به عنوان مطلق واقعیت پرداخته‌ایم؛ راه‌های گوناگون این تثبیت و تبیین را فرادید آورده‌ایم تا فلسفه‌اولی از پایگاه محکمی آغاز گردد. تعریف دقیق فلسفه‌اولی و چیستی علم فلسفه بر حسب انضباط علمی یکی از مهمات بحث محتوایی است. به طور اجمالی و دقیق، فلسفه‌اولی «هستی‌شناسی عقلی و برهانی» است. برای آنکه مؤلفه‌های چنین تعریفی دقیقاً شکل بگیرند، نیازمند بررسی چند مسئله هستیم: موضوع علم فلسفه، عوارض ذاتی موضوع، غایت علم فلسفه (کشف واقع، آن‌گونه که هست) و روش برآمده از موضوع و غایت علم فلسفه، که روش عقلی و برهانی است. از روش عقلی و برهانی در دفتر اول به صیقل سخن گفته‌ایم. درباره‌ی موضوع، عوارض و غایت در این دفتر سخن خواهیم گفت.

از این رو فصل سوم به بررسی موضوع فلسفه‌اولی، یعنی موجود بما هو موجود، اختصاص داده شده است. در باب این موضوع پرسش‌های متعددی مطرح‌اند که می‌باید بدان‌ها پرداخت، از جمله: اساساً قید «بما هو موجود» به چه نکته‌ای اشاره دارد؟ و بر این اساس، تمایز موضوع فلسفه با موجودهای خاص، که موضوعات دیگر دانش ما هستند، به چیست؟ آیا موجود و واقع، عدم را هم در بر می‌گیرد؟ مراد از موجود بما هو موجود، مصداق آن است یا مفهوم آن؟ مراد فیلسوفان از اینکه موضوع فلسفه «موجود مطلق» است، چیست؟ فصل سوم به پاسخ به این پرسش‌ها و مانند آنها می‌پردازد و به همین دلیل «مداقه‌هایی درباره‌ی موضوع فلسفه» نام گرفته است. نیز در پایان این فصل مروری بر چیستی و موضوع فلسفه‌اولی در تاریخ فلسفه داشته‌ایم تا همه‌ی سرمایه‌های موجود از فیلسوفان گذشته در این زمینه بتوانند راه‌گشا باشند. بررسی در باب موضوع فلسفه دقیقاً هویت فلسفه و مرکز ثقل آن را از منظر درجه‌دوم به چشم می‌آورد. بدین جهت باید با عنایت ویژه‌ای بدان پرداخت. از سویی باید یادآوری کرد که آنچه در فصل دوم آمده است، پیش‌نیاز مباحث فصل سوم به شمار می‌آید.

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

در فصل چهارم به عوارض ذاتی موضوع فلسفه پرداخته‌ایم. سخن از عوارض ذاتی هر علم را کتاب برهان منطق عهده‌دار است، اما از منظر فلسفه فلسفه نیز به این مبحث نیاز می‌افتد. می‌باید دیدگاه‌های مختلف درباره این بحث را بررسی کرد و متناسب با علم فلسفه سامان مجددی بدان داد. در این فصل از این منظر به این مبحث پرداخته‌ایم. بر پایه آنچه در این فصل می‌آید، می‌توان مسائل فلسفی را سنخ‌شناسی کرد و فرق امتیازدهنده آنها را با مسائل علوم دیگر به رخ کشید. در حقیقت گستره مسائل فلسفه و مرز مسائل فلسفی را در این مل باید جست‌وجو کرد. با مباحث این فصل می‌توان نشان داد که موضوع فلسفه (موجود بما هو موجود) چه سنخ مسائلی را بر خود می‌پذیرد و هویت راستین مسائل فلسفی چیست. بر اساس بحث‌های فصل‌های سوم و چهارم، مفاد «سنخ‌شناسی» در تعریف فلسفه (هستی‌شناسی عقلی و برهانی) روشن و نمایان می‌شود.

فصل پنجم درباره غایت علم فلسفه است. در این فصل یادآوری می‌شود که فلسفه، به آن هر علم برهانی، علمی اکتشافی است و در پی کشف حقیقت است و غایتش رسیدن و نیل معرفتی است به واقع، آن‌گونه که هست. طبیعی است دانش فلسفه، که موضوعش موجود چونان موجود است، و عوارض ذاتی موضوعش حقایق فلسفی برآمده از این موضوع‌اند، در پی کشف حقیقت موجود چونان موجود و دست‌یابی به احکام و اقتضائات ذاتی آن است. چنین علمی با این‌گونه دغدغه و غایت، با علم کلام، که دغدغه مند اقناع است، نه کشف واقع، متفاوت است. البته اشاره خواهیم کرد که با کوشش خواجه نصیرالدین طوسی کلامی فلسفی پدید آمده که به فلسفه نزدیک شده است.

باری، چنین غایتی برای فلسفه، که موضوعش موجود چونان موجود است، سبب شده است که فلسفه روش عقلی و برهانی را سرلوحه خود قرار دهد، که در دفتر اول بدان پرداختیم.

• پیش‌گفتار •

بر اساس مباحث سه فصل پیش‌گفته، شاکله کلان فلسفه، به‌لحاظ مؤلفه‌های درونی‌اش، رخ می‌نماید و حقیقت و هویت فلسفه به‌صورت منضبط و علمی آشکار می‌گردد. از سوی دیگر، برای پدیدار شدن شاکله کلان فلسفه به‌لحاظ بیرونی و در نسبت با علوم دیگر، می‌باید جایگاه فلسفه اولی را در ارتباط با دانش‌های دیگر بررسی کنیم، و نسبت آنها را با هم بسنجیم و تأثیر فلسفه را بر علوم دیگر بازکاوی کنیم. سه فصل بعدی (ششم تا هشتم) به این مسائل می‌پردازند.

فصل ششم به نسبت فلسفه با علوم دیگر توجه می‌کند. در این فصل فلسفه نسبت به علوم دیگر، علم اعلی و اعم و کلی دانسته می‌شود و با بررسی این ویژگی‌های فلسفه، جایگاه فلسفه نسبت به علوم دیگر تبیین می‌گردد. نیز تأکید می‌گردد که فلسفه اشرف العلوم است و بر این اساس تأثیر فلسفه بر علوم دیگر و شکل‌گیری طبقه‌بندی ویژه‌ای در دانش‌ها تبیین می‌شود. دیدگاه برگزیده درباره جایگاه فلسفه نسبت به دانش‌های دیگر، به حضور فلسفه پیش از علم مادون و پس از آن و حین تحقیق در آن، توجه می‌کند. بر این اساس، به اهمیت تمدنی طبقه‌بندی علوم نیز اشاره خواهد شد.

فصل هفتم با عنوان «اصالی بودن دانش فلسفه» بدین نکته اشارت می‌کند که فلسفه علمی آلی نیست که ابزار دانش‌های دیگر باشد. علم آلی، هویتی ابزاری دارد و این ابزاری بودن در موضوعش اخذ شده است. موضوع فلسفه این‌ونه نیست، پس دانشی ابزاری نخواهد بود. اصالی بودن فلسفه از این نکته خبر می‌دهد که فلسفه از سنخ دانشی است که خود مطلوب‌اند و برای علم دیگری خواسته نشده‌اند. مباحث این فصل نسبت سلبی فلسفه را با دیگر علوم مشخص می‌کند، یعنی اینکه نسبت میان فلسفه و دیگر علوم، نسبت ابزاری نیست، و فلسفه ابزار هیچ دانشی نیست.

فصل هشتم به‌طور ویژه به جایگاه فلسفه اولی نسبت به همه دانش‌های برهانی، با تمام گستردگی‌شان، به‌ویژه نسبت به حکمت عملی و شعبه‌های

• تأملاتی در فلسفه فلسفه الامی •

آن، می‌پردازد. در این فصل به حکمت عملی و برهانی بودنش نزد فیلسوفان، از فارا تا ملاصدرا، توجهی ویژه شده و جایگاه فلسفه نسبت به حکمت عملی بیان شده است. در سده اخیر در برهانی بودن حکمت عملی مناقشاتی شده است که در جای خود باید بدان پرداخت. به نظر ما حق با فیلسوفان پیشین است و حکمت عملی دانشی برهانی است، که البته فلسفه اولی نسبت بدان هم علم اعلی است و تمام آنچه در فصل ششم درباره نسبت فلسفه و علوم بیان کردیم، در حق حکمت عملی هم جاری‌اند، بلکه باید تأکید کرد که مباحث هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه فلسفه از بنیادهای اساسی حکمت عملی هستند. به این مباحث - اگر خدا خواهد - باید در اثری مستقل بپردازیم. در این فصل به میزانی که می‌شد، اشاراتی در این باره داشته‌ایم و نیم‌گاهی به حکمت عملی مغفول در سده اخیر انداخته‌ایم.

پس از توجه به مؤلفه‌های درونی و بیرونی شاکله کلی فلسفه اولی، نوبت به بررسی مسئله دیگری می‌رسد که به‌تازگی در مورد فلسفه اسلامی مطرح شده است و جزو مباحث محتوایی فلسفه فلسفه قرار می‌گیرد. پرسش این است که آیا فلسفه می‌تواند و ممکن است که مقید به «اسلامی بودن» گردد؟ آیا اساساً تأکید بر اسلامی بودن فلسفه، با هویت فلسفه سازگار است؟

فصل نهم، با عنوان «امکان و تحقق فلسفه اسلامی» به بررسی این مسئله و پاسخ به این پرسش اساسی می‌پردازد. در این فصل نشان می‌دهیم اسلامی بودن با هویت فلسفه سازگار است و فلسفه با همه مؤلفه‌هایش، و همراه با انضباط‌های علمی و روشی‌اش، می‌تواند اسلامی باشد. افزون بر این، تحقق فلسفه اسلامی، که تمام ضوابط فلسفی بودن بر آن صادق‌اند، خود گواه امکان چنان فلسفه‌ای است. از این رو نیم‌گاهی نیز به تحقق فلسفه الامی انداخته‌ایم. البته به بحث تحقق فلسفه اسلامی به‌طور مفصل در جای خود پرداخته‌ایم.

آنچه در فصل‌های نه‌انۀ این دفتر آمده است، تنها بخشی از مباحث

• پیش‌گفتار •

محتوایی است که در فلسفه فلسفه، به‌ویژه فلسفه فلسفه اسلامی، باید بدان پرداخت. در این دفتر تنها به برخی از مباحث مهم محتوایی پرداخته‌ایم و در صدد پدید آوردن اثری در فلسفه فلسفه به‌سان یک دانش با تمام جوانب آن نبوده‌ایم. به هر روی، از خداوند سبحان خواهانم این اثر فرهیختگان و فلسفه‌پژوهان را سودمند افتد.

امروزه مباحث مهم دیگری در باب فلسفه فلسفه مطرح‌اند که نیازمند بررسی همه‌جانبه آنها هستیم. به بخشی از آنها، که از سنخ معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه‌اند، در پیش‌گفتار دفتر اول اشاره کرده‌ایم، مانند تعیین بخشی عقل به خود، چگونگی ایجاد گفتمان میان انواع عقل و انواع فلسفه‌ها، امکان فلسفه و نیز نفی انحصار روش فلسفه در روش پدیدارشناسی. امیدوارم توفیق پرداختن به این مباحث در دفتری جداگانه برای اینجانب فراهم آید.

افزون بر اینها، به برخی مباحث روش‌شناسانه دیگر نیز باید پرداخت. مسئله امتداد فلسفه از مسائل بسیار بااهمیت فلسفه فلسفه است. از دل بحث‌های فصل ششم دفتر حاضر می‌توان اندیشه امتداد فلسفه را استحصال کرد، اما باید به‌طور مفصل و برآمده از بحث جایگاه علوم، به‌سان مبحثی روشی همراه با توصیه‌های تفصیلی، که به کار واقعیت و نیازهای امروز بیاید، در دفتری مستقل به این بحث پرداخت. در عصر کنونی نیاز به امتداد فلسفه بیش از پیش احساس شده است و می‌باید پاسخی درخور به این نیاز داد و راه‌کارهای عملیاتی برای آن به دست داد. از این رو به توفیق الهی در دفتر سوم فلسفه فلسفه به موضوع امتداد فلسفه خواهیم پرداخت و در پی آن، به مسئله لزوم نگاه راهبردی به فلسفه صدرایی در عصر کنونی اشاره خواهیم کرد. مسئله دیگری که در دفتر سوم باید بدان بپردازیم، مسئله بسیار مهم «علوم انسانی اسلامی» است، که نتیجه عملی و ادامه دو مسئله پیشین است. از خداوند منان توفیق عرضه و نشر دفتر سوم را خواهانم.

• تأملاتی در فلسفه فلسفه الامی •

هشت فصل نخست این دفتر برآمده از بخشی از مباحث دروس خارج نه‌ایة الحکمه در سال تحصیلی ۹۲-۹۳، و فصل نهم برگرفته از بخشی از دروس حکمت متعالیه در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ در حوزه علمیه قم است. جناب حجت‌الاسلام رضا درگاهی فر با دقت و کوشش دوچندان این مباحث را تحقیق و نگارش کرده است. حضرت حجت‌الاسلام مهدی صداقت نیز در مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات با دلسوزی و دقت وافر پیگیر فراهم آمدن و به سرانجام رسیدن این دفتر بوده‌اند. هر دو عزیز بر اینجانب حق بزرگی دارند و از این رو بر این کمترین لازم است از ایشان سپاسگزاری ویژه داشته باشم و توفیقات روزافزون آن‌ها را از خداوند رحمان خواستارم. از دست‌اندرکاران مؤسسه نفحات برای پشتیبانی‌های لازم و از انتشارات آل‌احمد علیه‌السلام که چاپ و نشر این اثر را بر عهده گرفته است، صمیمانه تشکر می‌کنم. برای این گرامیان بهروزی و خوشی آرزومندم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

سید یدالله یزدان پناه

۱۰ تیر ۱۴۰۲ برابر با ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۴